

گزارش

فاطمه مهاجرانی:

تمام ارکان دولت پای کار ایران هستند

سخنگوی دولت گفت: حضور مسئولان دولتی در اجتماعات مردمی نشان از همین موضوع دارد و قطعا هر شائبه‌ای دراین‌میان به ضرر منافع ملی ماست. بدون تردید رئیس‌جمهوری پاینده به قانون اساسی هستند و مدافع منافع ملی و امنیت کشور، همچنین تمام ارکان دولت، مسئولان و کارکنان دولت نیز پای کار ایران و حفظ کیان ملی هستند. فاطمه مهاجرانی در نخستین نشست خبری سال ۱۴۰۵ که در مجاورت ساختمان تخریب‌شده دانشگاه شهید بهشتی تهران برگزار شد، در پاسخ به پرسشی مبنی بر «تشریح برنامه دولت برای حمایت از کسب‌وکارهای اینترنتی که در جریان تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل با محدودیت‌هایی مواجه شدند»، اظهار کرد: در این زمینه با هماهنگی بین‌دستگاهی صورت‌گرفته بین وزارت کار، معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری و وزارت ارتباطات، بسته‌ای برای حمایت‌های اضطراری از شرکت‌ها به‌ویژه شرکت‌های دانش‌بنیان که بسیاری از آنها کوچک یا متوسط هستند، طراحی شده است. او تأکید کرد: این بسته‌های حمایتی شامل توقف یا کاهش عرضه، توقف یا کاهش تقاضا درمورد از‌دست‌دادن بازار و بسته حمایتی رشد تقاضا برای خدمات و زیرساخت‌های مورد نیاز و بسته تأمین زیرساخت برق مورد نیاز است. سخنگوی دولت ادامه داد: بنابراین ما به هماهنگی‌ای که بین دستگاه‌ها وجود دارد، امیدواریم مشکلات مرتفع شود. مهاجرانی یادآور شد: سامانه غزال هم که ذیل بنیاد علم قرار دارد، فعال است تا متقاضیان بتوانند اطلاعاتشان را در آن بازگذاری و موضوعات را مطرح کنند. مهاجرانی در پاسخ به پرسشی درباره رویکرد دولت در زمینه مدیریت تنگ هرمز با رژیم حقوقی جدید، اظهار کرد: هماهنگی و تعامل خوبی میان همه قوا با شعار وفاق رئیس‌جمهوری برقرار است و تمام تصمیمات در حوزه‌های مختلف کشور متناسب با شرایطی است که در آن قرار داریم.

او تأکید کرد: سیاست خارجی ما و تعاملات‌مان متناسب با سه اصلی است که رهبری شهید مطرح کرده بودند که عزت، حکمت و مصلحت پیش می‌رود. مصالح ملی موضوع اولی است که برای عملیاتی‌شدن اصول اساسی مدنظر رهبری شهید رعایت می‌شود.

سخنگوی دولت ادامه داد: تنگ هرمز باید به عنوان یک مزیت موهبتی از آن به اندازه کافی بهره‌برداری شود و قطعا جزئیات آن پس از منقح‌شدن، اعلام می‌شود. مهاجرانی افزود: حضور مسئولان دولتی در اجتماعات مردمی نشان از همین موضوع دارد و قطعا هر شائبه‌ای دراین‌میان به ضرر منافع ملی ماست. بدون تردید رئیس‌جمهوری پاینده به قانون اساسی هستند و مدافع منافع ملی و امنیت کشور، همچنین تمام ارکان دولت، مسئولان و کارکنان دولت نیز پای کار ایران و حفظ کیان ملی هستند و طبیعتا باید در مقابل، با هرگونه شایعه‌ای که بر انسجام ملی دهنده‌ها وارد کند، بایستیم. سخنگوی دولت در پاسخ به پرسشی درباره جزئیات برنامه بازسازی واحدهای آسیب‌دیده، گفت: با توجه به نوع آسیبی که وارد شده، نوع رفتارها متفاوت خواهند بود؛ در شهر تهران، شهرداری متولی این امر است و در استان‌ها بنیاد مسکن، مدیریت و تولید جریان آسیب‌ها را برعهده دارد.

مهاجرانی یادآور شد: در مواردی که آسیب‌ها محدود بوده است، جبران خسارات آغاز و در بسیاری از موارد نیز مردم به خانه‌های خود بازگشته‌اند اما در مواردی که آسیب‌ها زیاد بوده است، امکانی به صورت موقت در اختیار خسارت‌دیدگان قرار گرفته است.

او ادامه داد: برای اعلام خسارت، شهروندان می‌توانند به صورت ۲۴ساعته از طریق تلفن‌های اعلام‌شده اقدام کنند. تسهیلات نیز در این زمینه پیش‌بینی شده است، ازجمله تسهیلات ودیعه مسکن ۳۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومانی، در سکونتگاه‌های روستایی ۳۰۰ میلیون تومان، در شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر، ۴۰۰ میلیون تومان و در شهرهای بالای ۲۵ هزار نفر، به جز مراکز استان‌ها و کلان‌شهرها، ۵۰۰ میلیون تومان و در مراکز استان‌ها ۷۰۰ میلیون تومان تخصیص یافته است.

سخنگوی دولت تأکید کرد: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تاکنون ارزیابی خسارت ۹۲هزارو ۲۴۴ واحد را انجام داده است. جا دارد از شهرداری تهران برای اسکان خسارت‌دیدگان در اقامتگاه‌های موقت تشکر کنیم. همچنین وزارتخانه‌هایی که تلاش کردند کارمندان آسیب‌دیده خود را در مراکز اقامتی مناسب اسکان دهند. مهاجرانی در پاسخ به پرسشی درباره اقدامات انجام‌شده برای حفظ اموال و دارایی‌های ایرانیان مقیم کشورهای حاشیه خلیج فارس، تأکید کرد: ایرانیان خارج از کشور همیشه فرزندان این وطن بوده و هستند و با حفظ ضوابط و شرایط، امکان بازگشت آنان به کشور وجود دارد. به طور مشخص درباره ایرانیان ساکن کشورهای حاشیه خلیج فارس، وزارت امور اقتصادی و دارایی طرحی برای انتقال امن سرمایه‌ها و دارایی‌های ارزی آنان، به کشور را آماده کرده است که این طرح شامل مشوق‌های مالیاتی و کم‌رکمی است. او ادامه داد: امکان استفاده از بیمه جنگ برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی و تشویق و حمایت و سرمایه‌گذاری خارجی در راستای تضمین امنیت سرمایه و سودشان، ضمن اینکه امکان سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالی ازجمله اوراق بدهی ارزی و بازار سرمایه نیز فراهم شده است. سخنگوی دولت درباره اینکه آیا بسته آموزشی برای جبران عقب‌ماندگی تحصیلی دانش‌آموزان تدوین شده است یا خیر، گفت: آموزش حضوری گزینه مطلوبی برای آموزش برای هر سطحی از آموزش است، اما در شرایطی که به هر حال دشمن از هیچ جنبانی فروگذار نمی‌کند و مدرسه شجره طیبه میناب یک نمونه آن است، بنابراین باید به فکر روش‌های جایگزین باشیم. مهاجرانی تأکید کرد: ضمن تقدیر از رخصات تمام معلمان، باید تأکید کنم این عزیزان تا نیمه خردادماه فرصت دارند آموزش خود را تکمیل کنند. درعین‌حال آموزش تلویزیونی مدرسه ایران به عنوان یک گزینه در دسترس تمام دانش‌آموزان عزیز قرار دارد. درباره برگزاری امتحان نهایی نیز وزارت آموزش و پرورش تصمیم‌گیری می‌کند و نتیجه را به اعلام خواهد کرد.

امروز دشمن «اعتماد مردم» را هدف گرفته است

او با اشاره به تجاوز نظامی رژیم اسرائیل و آمریکا به میراث فرهنگی و علمی ایران تصریح کرد: تاکنون ۲۴ شهید مدافع سلامت داده‌ایم، تاکنون ۲۱۸ واحد بهداشتی کشور مورد حمله قرار گرفته است. دشمن چرا خانه‌های بهداشت را هدف قرار می‌دهد؟ آیا در آنجا بمب اتم ساخته می‌شود؟ خیر، خانه‌های بهداشت در دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه بهداشت و درمان است. در این خانه‌ها اعتماد مردم ساخته می‌شود و امروز دشمن «اعتماد مردم» را هدف گرفته است، هدف‌گرفتن نیروها و واحدهای امدادی و اورژانس ازجمله هلی‌کوپتر دریایی نیز از این دست است. سخنگوی دولت ادامه داد: نیروهای دفاعی ما مقتدرانه و جانانه ایستادند. تردید نداریم با دشمنی مواجه هستیم که دارای برتری نظامی است و از همین نظر می‌گوییم نیروهای دفاعی ما مقتدر هستند، چراکه در مقابل بزرگ‌ترین ارتش جهان ایستادگی کرده‌ایم. دشمن تصور می‌کرد که سه‌روزه ما را از پا در خواهد آورد ولی ما ۳۹ روز جانانه ایستادیم و تا هرکجا که لازم باشد نیز ایستادگی خواهیم کرد. مهاجرانی یادآور شد: ما مردمی داریم که معتقدند خیابان و میدان با ما، آسمان با نیروهای مسلح و در این مسیر یک لحظه هم میدان را خالی نکردند. مردم از افشار و با سلاطین مختلف پشت ایران و کشور خود ایستادند. ما سپاهگزار این مردم عزیز هستیم و معتقدیم ایران ما به خاطر وجود این عزیزان و به لطف خداوند پایدار خواهد ماند. او با تقدیر از نیروهای امداد، هلال‌احمر، داوطلبان اورژانس، بسیج و نیروهای جهادی که در ۴۰ روز گذشته پای کار ایستادند، اظهار کرد: از همه کسانی که در صنعت آب و برق تلاش کردند و با وجود حدود هزارو ۹۰۰ اتفاق و آسیب، قطع طولانی آب و برق نداشته باشیم، قدرانی می‌کنم و از غیورمردان صنعت نفت که در این شرایط سخت که بیم حمله به تأسیسات می‌رود، شجاعانه پای کار هستند.

روایتی از هفته‌ها ایستادگی؛ از میدان نبرد تا میز مذاکره

ایران، ایستاده در آتش



مالک مصدق:
ایران، نامی است که بر تارک تاریخ تمدن بشری، همواره نماد شکوه، فرهنگ و اراده‌ای شکست‌ناپذیر بوده است. از روزگار هخامنشیان تاکنون، این سرزمین بارها ثابت کرده عظمت آن در بنادر و کارخانجات خلاصه نمی‌شود، بلکه در روحیه مقاومت مردمانی ریشه دارد که هرگز زیر بار زور و تحقیر نرفته‌اند. اکنون نیز در یکی از حساس‌ترین برهه‌های معاصر، همان شکوه مختلف مقاومت در قامت ایستادگی ۴۰روزه ایران در برابر دو ابرقدرت دارای سلاح هسته‌ای، خود را به رخ جهانیان کشیده است. کشوری که با دستانی خالی اما دلی آکنده از غیرت و ایمان، در برابر دو دولت اتمی که نام یکی از آنها همواره تداعی‌کننده فاجعه هیروشیمما و ناگازاکی بوده، ۴۰ روز تمام قد علم کرده و نه‌تنها خم به ابرو نیاورده، بلکه معادلات راهبردی آنها را به هم ریخته است. این مقاومت ۴۰روزه که در نوع خود کم‌نظیر است، فراتر از یک رویارویی نظامی صرف، به نمادی از تقابل «اراده ملی» در برابر «قدرت زور» تبدیل شده است. دو دولتی که تصور می‌کردند با تکیه بر زرادخانه‌های هسته‌ای می‌توانند هر اراده‌ای را سرکوب کنند، اینک با ایرانی روبه‌رو شده‌اند که نه از بمب، بلکه از حقیقت و عزت خود قدرت می‌گیرد. هر موشکی که به سوی ایران شلیک شده، با انعطاف و هوشمندی دفاعی و مدنی ایران خنثی شده و هر تهدیدی صرفا بر استحقاق این اراده افزوده است. این ناتوانی در شکستن مقاومت ایران، به منزله فروپاشی یک فرضیه بود که قدرت نظامی پیشرفته را مترادف با پیروزی مطلق می‌دانست. در این میان، واکنش‌های رهبر کاخ سفید، دونالد ترامپ، به‌وضوح نشان‌دهنده اوج ناامیدی و درماندگی یک قدرت عادت‌کرده به تسلیم‌شدن دیگران است. عصبانیت او که از تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی بارها دیده شده، نه از موضع قدرت، بلکه از عمق شکستی روانی سرچشمه می‌گیرد. وقتی او به «نابودی تمدن ایران» تهدید می‌کند، در واقع به تمام جهان نشان می‌دهد تمام کارت‌های خود را رو کرده و جز صفرت‌پراکنی و لفاظی‌های توخالی، ابزاری برای مقابله با این ملت سربلند ندارد. چنین تهدیدهایی، بیش از آنکه هشدار ی واقعی باشند، فریادهای بی‌حاصل یک بازنده خشمگین است که نمی‌تواند شکست خود را در برابر «شکوه ایران» بپذیرد. تهدید به نابودی یک تمدن هفت‌هزارساله، نه‌فقط از نظر حقوق بین‌الملل یک جنایت است، بلکه از سویی نشانی از نهایت ناامیدی یک دولتدمر ناکارآمد محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، مذاکرات جاری میان ایران و آمریکا دیگر یک بازی دیپلماتیک ساده نیست، بلکه عرصه دیداری از همان رویارویی تاریخی است؛ جایی که ایران از موضع عزت و قدرت و به میز گفت‌وگو گذاشته و با چشمانی باز، هم به دشمن و هم به دوست نشان می‌دهد «تهدید و تطمیع» یابانی ندارد و اگر توافقی قرار باشد رخ دهد، اینجا ایران شروط را تعیین می‌کند و ایران جنگ را تمام خواهد کرد.

درحالی‌که فقط ساعاتی تا ضرب‌الاجل تعیین‌شده از سوی دونالد ترامپ برای هدف قراردادن زیرساخت‌های انرژی و پل‌های ایران باقی مانده، تحولات میدانی و دیپلماتیک با شیب تند و به طور هم‌زمان در حال پیشروی‌اند؛ وضعیتی که تصویری از یک بحران در نقطه جوش را ترسیم می‌کند. البته دونالد ترامپ در یکی از آخرین اظهارنظرهای خود با ادبیاتی وقیحانه نوشت: «ایران یک تمدن کامل است که امشب خواهد مُرد و هرگز برنخواهد گشت. من نمی‌خواهم این اتفاق بیفتد، اما احتمالا خواهد افتاد». به موازات لفاظی‌های رئیس‌جمهور آمریکا و از صبح سه‌شنبه نشانه‌هایی از تغییر الگوی حملات نیز مشاهده شد؛ حملاتی که به طور فزاینده‌ای زیرساخت‌های حیاتی و مناطق غیرنظامی را در کل کشور هدف قرار داده‌اند؛ از پل‌ها و خطوط راه‌آهن گرفته تا تأسیسات برق و برخی زیرساخت‌های اقتصادی. چنین روندی نشان می‌دهد جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران در آستانه ورود به مرحله‌ای قرار گرفته که فشار بر زیرساخت‌های اقتصادی و حیاتی را به ابزار اصلی خود تبدیل کرده است. در سوی دیگر، ایران نیز حملات متقابلی را علیه اهدافی در منطقه انجام داد. سپاه پاسداران اعلام کرد با استفاده از موشک‌های میان‌برد و پهپاد های انتحاری، مجتمع‌های پتروشیمی مرتبط با شرکت‌های آمریکایی در منطقه الجبیل عربستان و همچنین مجتمع پتروشیمی «شورون فلیس» در منطقه الجعیمه را هدف قرار داده است. هم‌زمان گزارش‌هایی از انفجار در مناطق شرقی عربستان منتشر شد. ارتش جمهوری اسلامی ایران هم اعلام کرد صنایع پتروشیمی اسرائیل در نزدیکی دیمونا و نیز مقر ارتش آمریکا در امارات متحده عربی و کویت را هدف حملات پهپادی قرار داد. همچنین سردار سیدمجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در حساب کاربری خود در فضای مجازی با انتشار ویدئویی از شلیک موشک‌های ایرانی به سمت دشمن آمریکایی- صهیونی با پرتابگرهای دو فروندی، نوشت: «و اینک مرحله جدید جنگ با پرتابگرهای تازه‌نفس دو فروندی موشک‌های فاتح و خیرشکن، همه ضربات قبلی «دو»، هم‌زمان با یک تشدید فشار میدانی، نشانه‌هایی از تحركات جدی دیپلماتیک نیز دیده می‌شود. هرچند تا لحظه تنظیم گزارش، تلاش‌های دیپلماتیک جاری موفق به توقف و کاهش تجاوزات به زیرساخت‌ها و مناطق غیرنظامی در ایران نشد. اما جنگ در شرایطی وارد چهلمین روز خود شده که دونالد ترامپ شامگاه دوشنبه، ضمن تکرار مواضع تند علیه ایران، از «بی‌شهادت درخرو توجه» تهران نیز سخن گفته است. رئیس‌جمهور آمریکا درعین‌حال تأکید کرده این پیشنهاد «به اندازه کافی خوب نیست»، اما اذعان کرده ایران «با نیت خوب مذاکره می‌کند» و مذاکره‌کنندگان آن منطقه تردید نداشتند». در طرف دیگر، گزارش‌ها از ادامه تلاش‌های میانجیگرانه پاکستان و برخی کشورهای منطقه برای نزدیک‌کردن مواضع تهران و واشنگتن حکایت دارد. عصر دوشنبه خبرگزاری رسمی دولت نیز اعلام کرد ایران پس از دو هفته بررسی در سطوح عالی پاسخ خود به پیشنهاد آمریکا را از طریق پاکستان منتقل کرده است؛ پاسخی که در قالب یک طرح «ابندی تنظیم شده است و بر پایان دائمی جنگ و نه آتش‌بس موقت تأکید دارد. این هم‌زمانی تشدید حملات به زیرساخت‌ها و تحركات دیپلماتیک، نشان‌دهنده وضعیتی پیچیده و چندلایه است؛ جایی که میدان و مذاکره به طور هم‌زمان در حال پیشروی‌اند و هر یک می‌تواند بر دیگری اثر بگذارد.

دیپلماسی در سایه حمله به زیرساخت‌ها

در روزهای اخیر نشانه‌های متعددی از فعال‌شدن کانال‌های دیپلماتیک دیده می‌شود؛ هرچند این تلاش‌ها همچنان در فضایی از بی‌اعتمادی و فشارهای نظامی جریان دارد. براساس گزارش خبرگزاری رسمی دولت، ایران پس از بررسی‌های گسترده در سطوح عالی نظام، پاسخ خود به پیشنهاد آمریکا برای پایان جنگ را در قالب طرحی «ابندی به پاکستان منتقل کرده است. در این طرح، تهران ضمن رد آتش‌بس موقت، بر پایان دائمی جنگ با در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی و راهبردی ایران تأکید کرده است. این پیشنهاد شامل مجموعه‌ای از خواسته‌های تهران از جمله توقف کامل درگیری‌ها در منطقه، تضمین تکرار‌نشدن حملات، رفع تحریم‌ها و همچنین تدوین پروتکلی برای عبور و مرور امن کشتی‌ها از تنگه هرمز است. برخی گزارش‌ها همچنین حاکی از آن است که ایران در قالب این طرح خواسته‌های دریافت عوارض از کشتی‌هایی شده که از تنگه هرمز عبور می‌کنند؛ درآمدی که بخشی از آن می‌تواند برای بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده در جریان حملات اخیر استفاده شود. در همین حال، برخی منابع غربی از جمله نیویورک تایمز گزارش داده‌اند یکی از محورهای این پیشنهاد، ارائه تضمین برای حمله‌نکردن مجدد به ایران و توقف حملات اسرائیل به حزب‌الله در لبنان است. در مقابل، ایران نیز آمادگی خود را برای کاهش محدودیت‌های اعمال‌شده بر تردد کشتی‌ها در تنگ هرمز اعلام کرده است. از سوی دیگر، گزارش‌هایی درباره تحركات پشترده در میانشهر شده است. به نوشته پولیتیکو، جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا که اکنون در اروپا مستقر است، در حالت آماده‌باش قرار دارد تا در صورت پیشرفت گفت‌وگوهای غیرمستقیم، به مذاکرات مستقیم با ایران بپیوندد. این گفت‌وگوها درحال‌حاضر به رهبری استیو ویتکاف و جرد کوشنر دنبال می‌شود و تماس‌هایی نیز با واسطه‌هایی مانند پاکستان در جریان است. گفتنی است جی‌دی ونس، معاون ترامپ، مدعی شده: «جنگ در ایران به‌زودی و قطعا پایان خواهد یافت. ما تا پایان مهلت رئیس‌جمهور، به مذاکره ادامه خواهیم داده. به ادعای ونس، طی ساعات آینده شاهد مذاکرات فشرده‌ای درمورد ایران خواهیم بود. در همین فازچوب، سفیر ایران در پاکستان نیز اعلام کرده تلاش‌های

میانجیگرانه اسلام‌آباد برای توقف جنگ به مرحله‌ای «حساس و بحرانی» رسیده است؛ نشانه‌ای از آنکه کانال پاکستان درحال‌حاضر به یکی از مسیرهای اصلی انتقال پیام میان تهران و واشنگتن تبدیل شده است.

جنگ زیرساخت‌ها و سایه بحران منطقه‌ای

در کنار تحركات دیپلماتیک، روند تحولات میدانی نیز همچنان با سرعت ادامه دارد؛ روندی که به گفته بسیاری از تحلیلگران می‌تواند جنگ را وارد مرحله‌ای خطرناک‌تر کند. گزارش‌ها نشان می‌دهد حملات اخیر بیش از گذشته بر زیرساخت‌های اقتصادی و حیاتی متمرکز شده است؛ تغییری که می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد ایران و حتی امنیت انرژی منطقه داشته باشد. براساس گزارش وال‌استریت ژورنال، میانجیگران به واشنگتن هشدار داده‌اند در صورت عملی‌شدن تهدیدها علیه نیروگاه‌ها و سایر تأسیسات غیرنظامی ایران، تهران احتمالا با حمله به زیرساخت‌های انرژی اسرائیل و حتی برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس واکنش نشان خواهد داد. چنین سناریویی می‌تواند دامنه جنگ را به سطحی فراتر از مرزهای ایران و اسرائیل گسترش دهد و کل منطقه را درگیر کند.

همین نگرانی‌ها باعث شده است برخی بازیگران بین‌المللی نیز وارد میدان دیپلماسی شوند. در تازه‌ترین تحول، سنانئه تاکایچی، نخست‌وزیر زاین، اعلام کرده توکیو در حال انجام تمهیداتی برای برقراری تماس تلفنی با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران است. مقامات ژاپنی تأکید کرده‌اند این کشور در تلاش است هم‌زمان با ایران و آمریکا در تماس باشد تا از تشدید تنش‌ها جلوگیری کند. این تحركات نشان می‌دهد نگرانی از گسترش جنگ به مرحله‌ای رسیده که حتی قدرت‌های خارج از منطقه نیز به دنبال ایفای نقش در کاهش تنش‌ها هستند. در واقع، حمله به زیرساخت‌ها نه‌تنها پیامدهای داخلی برای ایران دارد، بلکه می‌تواند بازارهای انرژی و امنیت کشتیرانی در یکی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان، یعنی تنگه هرمز را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

در چنین شرایطی، هم‌زمانی دو روند متضاد ذیل تشدید حملات به زیرساخت‌ها از یک سو

و افزایش تحركات دیپلماتیک از سوی دیگر، تصویری از یک بحران پیچیده را شکل داده است؛

بحرانی که آینده آن تا حد زیادی به تصمیم‌های سسات و روزهای پیش‌رو بستگی دارد. اگر

دیپلماسی بتواند از این مرحله حساس عبور کند، شاید هنوز امکان مهار جنگ وجود داشته باشد؛

اما در غیر این صورت، ورود جنگ به مرحله حمله گسترده به زیرساخت‌ها می‌تواند پیامدهایی

فراتر از یک درگیری دوجنبه به همراه داشته باشد و منطقه را با بحرانی عمیق‌تر روبه‌رو کند.

عبدالمحمد طاهری: تنگ هرمز در ساعات منتهی به پایان ضرب‌الاجل ترامپ می‌تواند به یک فرصت دیپلماتیک تبدیل شود

در تحلیل روند پیش‌رو طی چند ساعت تا پایان موعد ترامپ، عبدالمحمد طاهری طی گفت‌وگوی خود با «شرق» معتقد است: «میانجیگری پاکستان در این نقطه به‌شدت حساس و بی‌سابقه را باید در چارچوب ملاحظات امنیتی و منافع منطقه‌ای این کشور فهم کرد». به گفته این مدرس دانشگاه: «هر کشوری که در چنین شرایطی برای کاهش تنش‌ها تلاش کند شایسته قدردانی است، اما نقش پاکستان به دلیل نزدیکی جغرافیایی و پیوندهای فرهنگی و تاریخی با ایران و به‌ویژه در این مقطع تعیین‌کننده اهمیت بیشتری دارد».

این دیپلمات اسبق کشورمان در ادامه گپ‌وگفتش تأکید می‌کند: «ما باید از هر کشوری که در این شرایط حساس برای تعدیل بحران تلاش می‌کند تشکر کنیم، اما درباره پاکستان از قدردانی باید جدی‌تر باشد». ایران و پاکستان نه‌تنها مرز مشترک دارند، بلکه پیوندهای فرهنگی، مذهبی و تاریخی میان دو کشور عمیق است. همین عوامل باعث می‌شود اسلام‌آباد نسبت به گسترش بحران در منطقه حساس‌تر باشد.»

تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی معتقد است: «انگیزه پاکستان برای ورود به این پرونده فقط به روابط با ایران محدود نمی‌شود و این کشور از منظر امنیت ملی خود نیز به دنبال جلوگیری از تشدید درگیری است». او افزود: «گسترش جنگ در منطقه پس از احتمال حملات به زیرساخت‌های انرژی می‌تواند پیامدهای امنیتی جدی برای پاکستان داشته باشد و به همین دلیل اسلام‌آباد تلاش می‌کند با فعال‌کردن کانال‌های دیپلماتیک از گسترش بحران جلوگیری کند». این تحلیلگر حوزه بین‌الملل با اشاره به ارتباطات پاکستان با آمریکا می‌گوید: «در طول چند دهه گذشته، آمریکایی‌ها روابط امنیتی و اطلاعاتی قابل توجهی با پاکستان داشته‌اند و همین مسئله باعث شده واشنگتن نیز تا حدی به نقش میانجیگرانه اسلام‌آباد اعتماد داشته باشد. بنابراین تلاش‌های پاکستان از این رو نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد».

طاهری در عین حال دستنگاه دیپلماسی پاکستان را یکی از عوامل موفقیت احتمالی این میانجیگری می‌داند و خاطر‌نشان می‌کند: «دیپلماسی پاکستان طی دو تا سه سال گذشته عملکرد قابل توجهی داشته است. این کشور معمولا بدون هیاهو و جنجال کار خود را پیش می‌برد. پاکستانی‌ها اهل سروصدا نیستند؛ آرام و حساب‌شده حرکت می‌کنند و همین ویژگی در بسیاری از پرونده‌های منطقه‌ای به آنها کمک کرده است». به اعتقاد این کارشناس: «شناخت دقیق منافع ملی از دیگر نقاط سیاست خارجی پاکستان است. پاکستانی‌ها به‌خوبی می‌دانند چه چیزی برایشان اهمیت دارد و به مذاکرات نیز همان منافع را دنبال می‌کنند؛ بنابراین طبیعی است که در این بحران نیز تلاش کنند به راه‌حلی برسند که هم از گسترش جنگ جلوگیری و هم ثبات منطقه‌ای را حفظ کند».

با این‌حال طاهری معتقد است نقش آمریکا در تعیین سرنوشت این بحران همچنان تعیین‌کننده است و در همین باره تصریح می‌کند: «با وجود همه توانمندی‌های نظامی و فناوری که آمریکا در اختیار دارد، به نظر می‌رسد واشنگتن نیز به دنبال نوعی توقف درگیری با حداقل کاهش تنش است. به‌ویژه در داخل آمریکا فشارهای سیاسی قابل توجهی وجود دارد که دولت را به سمت مهار بحران سوق می‌دهد». به تعبیر او: «شرایط داخلی آمریکا نیز در این معادله بی‌تأثیر نیست. در فضای سیاسی آمریکا، به‌ویژه از سوی دموکرات‌ها، فشارهایی بر دولت وارد می‌شود که اجازه ندهد بحران به سطحی غیرقابل کنترل برسد. به همین دلیل اگر از سوی ایران نشانه‌ای از تمایل به مذاکره دیده شود، احتمالا واشنگتن نیز در این مسیر انعطاف نشان خواهد داد».

طاهری در بخش دیگری از گفت‌وگویش به مسئله تنگه هرمز اشاره می‌کند و آن را یکی از مهم‌ترین اهرم‌های ایران در این شرایط می‌داند. از منظر او: «عبور ده‌ها کشتی از این تنگه در ساعات اخیر می‌تواند نشانه‌ای از تمایل تهران به کاهش تنش‌ها تلقی شود». این مدرس دانشگاه توضیح می‌دهد: «اگر ایران نشان دهد قصد دارد از ظرفیت تنگه هرمز برای ایجاد ثبات استفاده کند و نه تشدید بحران، این پیام می‌تواند در فضای دیپلماتیک بسیار اثرگذار باشد. حتی یک بازه زمانی محدود برای عبور آزاد کشتی‌ها می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از حسن نیت تلقی شود و زمینه را برای مذاکرات فراهم کند».

در عین حال، این تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل تأکید می‌کند هرچند برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مانند قطری‌ها و ژاپنی‌ها نیز در این ساعات تمایل جدی به میانجیگری و کاهش تنش پیدا کرده‌اند، اما به گفته او: «طرف‌هایی مانند خود اسرائیلی‌ها نیز وجود دارند که ممکن است از ادامه تنش سود ببرند».

طاهری ادامه داد: «قطر و برخی کشورهای منطقه به دلیل حضور پایگاه‌های نظامی خارجی با نزدیکی جغرافیایی به کانون بحران، به‌شدت نگران گسترش جنگ هستند و حتی در تماس با آمریکا خواسته‌های بسیار تشنه‌ها داشته‌اند». این استاد دانشسگاه در پایان تأکید می‌کند: «ساعات پیش‌رو می‌تواند برای آینده بحران تعیین‌کننده باشد». به اعتقاد طاهری: «اگر در ساعات پیش‌رو نشانه‌هایی از انعطاف دیپلماتیک از سوی طرف‌ها دیده شود، احتمال رسیدن به نوعی توافق یا دست‌کم توقف موقت درگیری‌ها وجود خواهد داشت». به گفته او: «تنگه هرمز در این مقطع می‌تواند به یک فرصت دیپلماتیک تبدیل شود. اگر از این ظرفیت به‌درستی استفاده شود، ممکن است مسیر گفت‌وگو دوباره باز شود. اما اگر این فرصت از دست برود، پیش‌بینی اینکه بحران به چه سمتی خواهد رفت بسیار دشوار خواهد بود».

خبر

قطع‌نامه پیشنهادی بحرین تصویب نشد روسیه و چین پشت ایران درآمدند

شورای امنیت سازمان ملل متحد قطع‌نامه پیشنهادی بحرین در مورد تنگه هرمز را تصویب نکرد. روسیه و چین پیش‌نویس این قطع‌نامه را وتو کردند. نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد شامگاه سه‌شنبه ۱۸ فروردین‌ماه با هدف بررسی و رای‌گیری درباره قطع‌نامه پیشنهادی بحرین علیه ایران برگزار شد. بر اساس متن نهایی این قطع‌نامه، عبارت بحث‌برانگیز «تمامی ابزارهای لازم» که به‌نوعی مجوز استفاده از زور تلقی می‌شود، به‌دلیل مخالفت چین و روسیه حذف شد. در عوض، متن قطع‌نامه صرفا بـر هماهنگی دفاعی برای انسداد کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز تأکید داشت.

نماینده بحرین که ریاست این نشست را نیز برعهده داشت، اعلام کرد این‌پیش‌نویس با هدف تأمین امنیت دریانوردی در خلیج فارس به شورای امنیت ارائه شده است. هم‌زمان، عبداللطیف بن راشد الزبانی، وزیر امور خارجه بحرین، در سخنرانی خود تأکید کرد که ایران «حقی» برای بستن تنگه هرمز ندارد.

الزبانی پیش از رای‌گیری اظهار داشت این قطع‌نامه در واکنش به «تحولات پر تنش» در این‌آبراه حیاتی تنظیم شده است؛ مسیری که حدود یک‌پنجم نفت و گاز جهان از طریق آن عبور می‌کند. او همچنین خاطر‌نشان کرد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از امنیت‌نگدگان اصلی این منطقه جهان هستند و به همین دلیل، امنیت تنگه هرمز باید به‌عنوان یک مسئولیت مشترک بین‌المللی در نظر گرفته شود.

در نهایت، این قطع‌نامه با وجود کسب ۱۱ رای موافق، به دلیل دو رای مخالف و دو رای ممتنع به تصویب نرسید زیرا روسیه و چین آن را وتو کردند.

علمی، چهره واقعی دشمنان را آشکار کرده است

معاون اول دولت‌های یازدهم و دوازدهم ضمن اشاره به حملات اخیر به مراکز علمی و زیرساخت‌های حیاتی کشور، تأکید کرد گستره این تخریب‌ها نشان می‌دهد دشمنان از یک ایران نترسان و پیشرفته هراس دارند، اما عزم ملی برای بازسازی، پاسخی قاطع به این اقدامات است. اسحاق جهانگیری ضمن محکوم‌کردن حملات به مراکز علمی ازجمله دانشگاه‌ها و نهادهای تحقیقاتی، این اقدامات را نشانه‌ای روشن از دشمنی با پیشرفت علمی ایران دانسته و معتقد است حمله به مراکز علمی مانند دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه شهید بهشتی، چهره واقعی دشمنان را آشکار کرده است. معاون اول رئیس‌جمهور دولت یازدهم و دوازدهم در پیام خود نوشت: «به نام خدا

بمباران دانشگاه صنعتی شریف، نماد پیشرفت دانش و فناوری ایرانی، تنها دو روز پس از هجوم به دانشگاه شهید بهشتی، نشان داد که جنایت‌های دشمنان متجاوز حد مرزی ندارد. از قطع‌علم دانش‌آموزان بی‌پناه مدرسه میناب گرفته تا حمله به انستیتو پاستور، پارک‌های علم و فناوری، پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی، تحقیقاتی و فرهنگی، همه نشان‌دهنده جنگ‌افروزی وحشیانه متجاوزان و دشمنی آشکارشان با پیشرفت علمی و فنی ایران است. این موج ویرانگری که با تخریب گسترده زیرساخت‌های حیاتی صنعت، انرژی و حمل‌ونقل همراه شده، به‌خوبی آشکار می‌کند که ترامپ و نتانیاهو به چه اندازه از یک ایران پیشرفته و توانمند وحشت دارند و چه رؤیای تاریکی برای ویرانی ایران در سر می‌پروراند. با این حال، دشمنان این‌تاب و خاک غافل‌اند که بیشتر این زیرساخت‌های صنعتی، اقتصادی، انرژی، علمی و فناوری به دست توانمند کارشناسان و مدیران داخلی، به‌ویژه دانشمندان و دانش‌آموختگان جوان کشور ساخته شده‌اند. هرچند دیدن آسیب و تخریب آنها بسیار سخت و جانکاه است، اما همگان برای بازسازی وطن مصمم و پراتکیزه‌اند.»